

This is us.

این ماییم.

The three musketeers.

سه تفنگدار.

The least hardworking students in the class,

دانش‌آموزایی که کمتر از بقیه تو کلاس تلاش میکنند

who always ace the test!

و همیشه نمره‌ی عالی تو امتحان میگیرن!

But how is this even possible?

اما چطور ممکنه؟

Well,

خب

we are cheating experts,

ما متخصص تقلب کردیم

no one can catch us red handed,

هیچ‌کس نمیتونه مچمونو بگیره

well,

خب

except for Ms. Green, of course.

البته بجز خانم گرین.

That chick has the eyes of an eagle!

این زنه چشماش مثل چشای عقابه!

How dare you cheat while I'm staring at you!

چطور جرئت میکنی وقتی دارم نگاهت میکنم
تقلب کنی

but..

اما...

but you weren't!

اما شما نگاه نمیکردین!

how did you see that?

چطور دیدین؟

leave

برو بیرون

We couldn't cheat even once

از وقتی اومده بود مدرسه مون

since she came to our school.

حتی یه بارم نتونستیم تقلب کنیم.

Until the day that changed everything

تا روزی که همه‌چیز عوض شد..

help me Hadihagh

کمکم کن هادی‌حق

what?

چی؟

I haven't studied even a word

حتی یه کلمه هم نخوندم

She's looking right at us!

صاف داره مارو نگاه میکنه!
Are you out of your mind?

دیوونه شدی؟
I don't care.

مهم نیست.
Whether she sees me or I submit my paper,

چه اون منو ببینه چه خودم برگه مو بدم
I will fail!

امتحانو میوفتم!
Tayebi

طیپی
Are you done already?

تموم کردی؟
I am Hadihagh, Tayebi is there

من هادی حقم، طیپی اونجاست
I know where she is Hadihagh

میدونم کجاست هادی حق
I'm Fateme bayat

من فاطمه بیاتم
And that's when we figured Ms. Green

و اونجا بود که فهمیدیم خانم گرین
was cross eyed

چشماش چپه
and we should have cheated

و ما درست زمانی باید تقلب میکردیم
right when she is looking at us!

که داشت ما رو نگاه میکرد!
Long story short,

خلاصه که
we all graduated that year with perfect scores!

ما همه اون سال با نمره های عالی فارغ التحصیل!
شدیم